M Mss 465

"Jala'l-ayoon"

1267 Hg.

[illegible]

M Mss 465

و خونهای ما را طلب کرد پس خدا رحمت کند مختار را و اخبار اسو کند که خبر داد مرا پدرم که در خدمت فاطمه دختر امیرالمؤمنین بوده
رحمت خواب از برای او میفرمود و میگفت خدا رحمت کند پدرت را که هیچ حقی از حقوق ما را نزد هیچ احدی نگذاشت
مگر آنکه طلب کرد و آنرا طلب خونهای ما کرد و کشندگان ما را کشت و بسند معتبر از عمر پسر علی ابن الحسین روایت کرده است
که گفت چون سر عبیدالله پسر زیاد علیه اللعنه و سر عمر سعد را مختار از برای پدرم آوردند بسجده در آمد و گفت حمد میکنم خدا
را که طلب کرد خون ما را از دشمنان ما و خدا جزا دهد مختار را جزای خیر دهد و بسند معتبر از امام جعفر صادق روایت کرده است
که هیچ زنی از زنان بنی هاشم موی سر خود را شانه نکرد و خضاب نکرد تا آنکه مختار سرهای قاتلان آنحضرت را فرستاد و بسند معتبر از عمر و ابن
علی ابن الحسین روایت کرده است که اول مختار از برای پدرم بیست هزار دینار فرستاد پدرم قبول کرد و خانه عقیل ابن ابیطالب را
و خانهای دیگر از بنی هاشم که بنی امیه خراب کرده بودند پدرم با آنها ساخت و چون مختار آن مذهب باطل را اختیار کرد
بعد از آن چهل هزار دینار برای پدرم فرستاد پدرم قبول نکرد و رد کرد و بسند معتبر از امام محمد باقر روایت کرده
است که مختار نامه بخدمت امام زین العابدین نوشت با هدیه چند از عراق بخدمت آنحضرت فرستاد چون رسولان او در خانه آنحضرت
رسیدند رخصت طلبیدند که داخل شوند حضرت فرمود که دور شوید من هدیه دروغگویان را قبول نمیکنم و نامه ایشان
را قبول نمیکنم و نمیخوانم پس آن رسولان عنوان نامه را محو کردند و بجای او نوشتند که این نامه ایست بسوی مهدی محمد ابن علی و آن
نامه را بردند بسوی محمد ابن حنفیه و او هدیه را قبول کرد و نامه نوشت بجواب او و قطب راوندی بسند معتبر از حضرت
صادق روایت کرده است که چون حق تعالی خواهد که انتقام بکشد برای دوستان انتقام میکشد برای ایشان به بدترین خلق خود
که انتقام کشد برای بعضی اینک یا به مختار الثقفی که بدترین خلق خدا بود و ابن ادریس بسند معتبر از حضرت صادق روایت
کرده است که چون قیامت شود حضرت رسالت و حضرت امیرالمؤمنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات
الله علیهم بر صراط بگذرند پس کسی از میان جهنم سه مرتبه فریاد کند که فریاد رس مرا یا رسول الله و حضرت جواب نگوید
پس سه مرتبه ندا کند که یا امیرالمؤمنین فریاد رس مرا من کشنده دشمنان توام پس باز حضرت جواب نگوید پس سه مرتبه
ندا کند که یا حسین فریاد رس مرا من کشنده دشمنان توام پس حضرت رسول با حضرت امام حسین گوید که حجت بر تو گرفت
فریاد او برس پس حضرت امام حسین مانند عقابی که بجهد صید را بر او بربایند او را از میان جهنم بیرون آورد راوی گفت که او
کی خواهد بود فدای تو شوم حضرت فرمود که مختار گفتم چرا او را در جهنم عذاب خواهند کرد و آن کارها که او کرد حضرت فرمود
که در دل او اندکی محبت کافی بود هر آینه چیزی از محبت ابوبکر و عمر بود و از ظاهر میشد که محبت آنها داشت قسم بخداوندی که محمد را براستی فرستاده
سوگند یاد میکنم که اگر جبرئیل و میکائیل در دل ایشان اندکی از محبت ایشان باشد هر آینه حق تعالی ایشان را برو در جهنم اندازد
و بعضی از کتب معتبره روایت کرده اند که مختار برای حضرت امام زین العابدین صد هزار درهم فرستاد و حضرت نخواست
که قبول کند و نتوانست که بر مختار رد کند منعقد و کرده بود در خانه ... اکنون چون مختار کشته شد حقیقت

بفریاد او برس پس حضرت امام حسین مانند عقابی که بجهد و جانوری را برباید او را از میان جهنم بیرون آورد و بوی گفت که او
کی خواهد بود فدای تو شوم حضرت فرمود که مختار گفتم چرا او را در جهنم عذاب خواهند کرد و حال آنکه او کار های که او کرد حضرت فرمود
که در دل او اگر ذره از محبت ابوبکر و عمر و بعد از ظلم و ... که محمد ... به راستی فرستاده است
سوگند بخدا که اگر در دل جبرئیل و میکائیل ... از محبت ایشان باشد هر آینه ... ایشان را ... در جهنم اندازد
و بعضی از کتب معتبره روایت کرده اند که مختار برای حضرت امام زین العابدین صد هزار درهم فرستاد و حضرت
که قبول کند ... که بر مختار ... کند ... اگر چون مختار ... حقیقت

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش بی مثل و انباز سزاوار خداوندیست که تذکر مصایب و استماع نوایب سروران مسالک قرب
و وصال و عاشقان فنا فی معارک طاعت و امتثال را موجب جلای عیون ارباب ایمان و یقین گردانید و غبار
فتنه را از دیده نظر بادیه پیمایان مراحل معرفت به کحل الجواهر ابصار و آبروی عزت و افتخار به درجات بهیه
برتر نشانید و صلوات متوالیات و تحیات متواترات بر سید انبیا و نخبه اصفیا خلاصه ارباب محنت و
بلا و نقاوه اصحاب مصیبت و ابتلا قهرمان فرمای عوالم غیب و شهود مقصد نشین محفل قرب رب رحیم ودود و شفیع
درماندگان روز جزا و ذخیره تهی دستان عالم ابو القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و بر آل بیهمتاش که به صیقل
ولای محبت خود آینه سینه‌های مؤمنان را از زنگ شکوک و شبهات جلا داده مقابل انعکاس گلرخسار انجمن
سخن حسن و عصمت ساخته‌اند و در بوستان شجاعت گلهای رنگارنگ شهادت بیادگار گذارده مشام جان
محرمان را به شمیم شفاعت خوشبو ساخته‌اند صلوات الله علیه و علیهم اجمعین و لعنة الله علی اعدائهم و قاتلهم و
ظالمهم الی یوم الدین اما بعد تشنه لب زلال فیض ربانی و آرزومند دار السعادت جاودانی محمد باقر
ابن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح ضمایر ارباب ایمانی و خلان روحانی مصور و منقش می‌نماید که چون
به مقتضای اخبار متواتره و آثار متظافره تذکر و تذکیر و گریستن و گریانیدن و محزون شدن و محزون
ساختن به بلاها و محن اهل بیت رسالت که از مصیبتهای جمیع مقربان بارگاه احدیت عظیم‌تر است و محرک
این مصایب از ملائکه مقربان و انبیای مرسلان و شایستگان و بندگان ارض و سما و مرغان هوا و ماهیان
دریاها و وحشیان صحراها از همه مصیبتها بیشتر است اعظم طاعات و اشرف قربات و سبب نیل سعادات و رفع
درجات می‌گردد و اطلاع بر احوال سعادت مآل پیشوایان دین و مقربان درگاه رب العالمین موجب قوت ایمان
و یقین می‌شود در هنگام حوادث دوران و حدوث نوایب زمان و تفکر در آلام و مصایب ایشان
در راضی شدن به قضاهای ربانی و رفع نزول وساوس شیطانی تأثیر عظیم دارد و آنچه در این باب به عربی
و فارسی در سلک تالیف درآورده‌اند بعضی ناقص و ناتمام است و بعضی از کتب سیر و اخبار مخالفان
اخذ نموده‌اند که اعتماد را نمی‌شاید و شایسته نباشد که برای جمعی که مایه وافری از علم نداشته باشند تضرر عظیم
نماید و موجب خلل عقاید ایمان ایشان گردد و این شکسته در کتاب بحار الانوار آنچه متعلق باحوال ائمه
ایشان است در چند مجلد استیفا کرده‌ام و در کتاب حیوة القلوب نیز اکثر آنها بر وجه اختصار ذکر
شده است و چون در کتاب اول عوام را چندان انتفاعی نیست و تحصیل کتاب دوم بر اکثر مردم متعذر است

لهذا